پس بلندمرتبه است خدا، فرمانرواى بر حق، و در [خواندن‌] قرآن، پیش از آنکه وحى آن بر تو پایان یابد، شتاب مکن، و بگو: «پروردگارا، بر دانشم بیفزاى.» (114) و به یقین پیش از این با آدم پیمان بستیم، و[لى آن را] فراموش کرد، و براى او عزمى [استوار] نیافتیم. (115) و [یاد کن‌] هنگامى را که به فرشتگان گفتیم: «براى آدم سجده کنید.» پس، جز ابلیس که سر باز زد [همه‌] سجده کردند. (116) پس گفتیم: «اى آدم، در حقیقت، این [ابلیس‌] براى تو و همسرت دشمنى [خطرناک‌] است، زنهار تا شما را از بهشت به در نکند تا تیره‌بخت گردى.» (117) در حقیقت براى تو در آنجا این [امتیاز] است که نه گرسنه مى‌شوى و نه برهنه مى‌مانى. (118) و [هم‌] اینکه در آنجا نه تشنه مى‌گردى و نه آفتاب‌زده. (119) پس شیطان او را وسوسه کرد، گفت: «اى آدم، آیا تو را به درخت جاودانگى و مُلکى که زایل نمى‌شود، راه نمایم؟» (120) آنگاه از آن [درخت ممنوع‌] خوردند و برهنگى آنان برایشان نمایان شد و شروع کردند به چسبانیدن برگهاى بهشت بر خود. و [این گونه‌] آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بیراهه رفت. (121) سپس پروردگارش او را برگزید و بر او ببخشود و [وى را] هدایت کرد. (122) فرمود: «همگى از آن [مقام‌] فرود آیید، در حالى که بعضى از شما دشمن بعضى دیگر است، پس اگر براى شما از جانب من رهنمودى رسد، هر کس از هدایتم پیروى کند نه گمراه مى‌شود و نه تیره‌بخت. (123) و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگى تنگ [و سختى‌] خواهد داشت، و روز رستاخیز او را نابینا محشور مى‌کنیم.» (124) مى‌گوید: «پروردگارا، چرا مرا نابینا محشور کردى با آنکه بینا بودم؟» (125)